

## پایش اندیشه

مفهوم‌شناسی، پیشینه و  
مولفه‌های سبک زندگی دین

## مفهوم «سبک زندگی»

در شرح اصطلاح «سبک زندگی» که یکی از مطرح‌ترین معانی در علوم انسانی معاصر است، میشل سوبل مفصل‌ترین کتاب را در ۱۹۸۱ نگاشت و در آن، پس از ذکر تعاریف گوناگون، به این نکته رسید که هنوز توافقی بر سر این مفهوم این اصطلاح حاصل نشده است؛ اما در عین حال پژوهشگران علوم مختلف، هر یک در حوزه دانش خویش تعریفی برای آن ارائه نموده‌اند. این ترکیب از دو واژه «سبک» و «زندگی» تشکیل شده است. معنای لغوی واژه «زندگی» روشن است؛ اما در تعریف واژه «سبک» در لغت‌نامه‌ها معانی گوناگونی ذکر شده است. «Style» از اصل لاتینی «Stilus» و فرانسۀ قدیم «Stylus» است که به معنی اشیای نوک تیز فلزی (مانند نیزه و قلم حجاری) بوده است. در فرهنگ‌نامه‌ها تعاریف مختلفی برای این واژه ذکر شده است از جمله: «نوع، روش، سبک چیدن اثاثیه»؛ «شکل دادن یا طراحی چیزی (مانند موی سر) یا شیء (مانند تکه‌ای از لباس یا اسباب و وسایل) تا به نظر جالب و جذاب آید، کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار» ، «تطابق با معیار شناخته‌شده، شیوه‌ای که برزنده و مناسب پنداشته می‌شود، خصوصاً در رفتار اجتماعی؛ زیبایی، ظرافت یا سهولت؛ شیوه یا تکنیک». همچنین «شیوه و روش انجام چیزی خصوصاً شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم،



مکان یا دوره‌ای، نوعی باشد.»، «اجرا یا انجام اموری که تمایز دهنده فرد یا گروه یا سطح یا... خاصی باشد» و «مُد، خصوصاً در پوشیدن» از دیگر معانی این واژه است.

در این معانی لغوی، چند نکته قابل توجه است: اول اینکه، برخی بر ویژگی زیبایی‌شناختی سبک، تکیه دارند و برخی بر جنبه تمایزبخشی سبک، به ویژه برای برتری و برخی دیگر از این تعاریف، تجسم امروزمین سبک، به خصوص ابعاد تجملی زندگی را نشان می‌دهند؛ دوم آنکه سبک، بیشتر جنبه شکلی، روشی و تکنیکی دارد. همان‌گونه که دیده می‌شود برخی معانی موجود در لغت‌نامه‌ها، بیشتر به کاربرد این واژه در سبک‌شناسی ادبی - و هنری اشاره دارند که رفته‌رفته در سایر حوزه‌ها نیز کاربرد یافته است.

شگفت آنکه واژه «سبک» در زبان عربی و فارسی، وضعیت مشابهی داشته است. این واژه در عربی از مصدر ثلاثی مجرد، به معنی «گذاختن و قالب‌گیر کردن زر و نقره» گرفته شده است. اما امروزه در زبان عربی از معادل «اسلوب» برای رساندن معنای سبک بهره می‌برند. در فارسی، این کلمه به معنای مورد نظر تا این اواخر کاربردی نداشته است، چنانکه اصل بحث سبک‌شناسی هم مربوط به دوره معاصر است. ملک الشعراء بهار، رضا قلی خان هدایت را اولین کسی می‌داند که این کلمه را در کتابش (مجمع الفصحاء) به معنی «روش» به کار برده است.

### معنای ترکیب «سبک زندگی»

همچون خود واژه سبک، از شکل ترکیبی اصطلاح «سبک زندگی» نیز تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ، روش خاصی از زندگی یا شخص گروه.

۲. شیوه زندگی یا سبک زیستن که بازتاباننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد.

چنان‌که پیداست معنای اول، بیشتر، توضیح واژه به واژه از ترکیب «سبک زندگی» است

و معنای دوم، بیان معنای اصطلاحی است که امروزه در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی رواج یافته است.

اما گذشته از تعریف‌های فرهنگ‌نامه‌ای باید گفت که در علوم اجتماعی و نیز روان‌شناسی از این

ترکیب، تعریف‌های بسیار متعدد و متفاوتی ارائه شده است. پر واضح است که اندیشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی هر یک به فراخور دیدگاه و ساختار اندیشه خود به تعریف این اصطلاح پرداخته‌اند. شاخص‌ترین افراد این علوم عبارتند از وبر، زیمل، وبلن، آدلر، کلاکهورن، ویلیام لیزر و

بوردیو. البته برخی از این اندیشمندان گاه در آثار خود بیش از یک تعریف آورده‌اند.

ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰): از نظر وی سبک زندگی ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی است که به گروه، احساس هویت جمعی می‌بخشد. وبر سبک زندگی را چیزی معرفی می‌کند که مرزهای نامشخص و موقعیت و قشر اجتماعی را تعیین می‌کند. او سبک زندگی را از جنس رفتاری می‌داند که تمایلات، آن را هدایت می‌کند و فرصت‌های زندگی، بستر بروز آن را فراهم می‌کند.

آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷): رویکرد آدلر با دیگر افرادی که از آنها نام برده شد تفاوت‌هایی اساسی دارد. او در برابر رویکرد جامعه‌شناختی، رویکرد ویژه‌ای را بر مبنای روان‌شناسی فردی خود ارائه می‌کند و بر همین اساس سبک زندگی را تعریف می‌نماید.

البته آدلر، در مورد سبک زندگی تعبیر متعددی دارد که بر محققان علوم اجتماعی پس از خود تأثیر زیادی گذاشته است. او می‌گوید سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و منفردی در زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند. سبک زندگی، طرح و دریافتی اجمالی است از جهان، فرایند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و

#### وبر؛

#### سبک زندگی را چیزی

#### معرفی می‌کند که مرزهای

#### نامشخص و موقعیت و قشر

#### اجتماعی را تعیین می‌کند. او سبک

#### زندگی را از جنس رفتاری می‌داند که

#### تمایلات، آن را هدایت می‌کند و

#### فرصت‌های زندگی، بستر بروز

#### آن را فراهم می‌کند.

فردی زندگی و دستیابی به هدف؛ خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن. سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند و خود به واسطهٔ خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد.

بر اساس اعتقاد آدلر، هر کس برای خود سبک زندگی جدایی دارد که البته کم و بیش به سبک زندگی دیگران شبیه است اما کاملاً همسان نیست. سبک زندگی نوعی، منشاً درونی در فرد دارد و برخاسته از نخستین سال‌های کودکی اوست و الزاماً موروثی یا حتی زادهٔ محیط نیست. به اعتقاد وی، تجارب مشابه هرگز نمی‌توانند تأثیرات مشابهی بر افراد باقی بگذارند و ما تنها می‌توانیم در قلمرو سبک‌های زندگی از تجارب درس بگیریم. اینکه چگونه به آنها عمل می‌کنیم بسته به شخصیت فردی ماست. از نظر آدلر، در کنار ریشه‌های فردیت، سبک زندگی، خالق مجموعه‌ای از رفتارهای ویژه است؛ رفتارهای ناشی از تفکر، هیجانات، عواطف، ... که بازتاب هویت فرد است.

گئورگ زیمل (۱۸۵۸-۱۹۱۸): سبک زندگی، کل به هم پیوستهٔ صورت‌هایی است که افراد یک جامعه، مطابق انگیزه‌های درونی و سلايق خودشان و به واسطهٔ تلاشی که برای ایجاد توازنی میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی‌شان به انجام می‌رسانند، برای زندگی خود برمی‌گزینند.



تورستاین وبلن (۱۸۵۷-۱۹۲۹): وبلن در جایی، سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری‌اند. در جای دیگر، سبک زندگی فرد را تجلی رفتاری مکاتبه‌سوم روحی، عادات فکری و معرفت او قلمداد می‌کند.

کلاید کلاکسون (۱۹۰۵-۱۹۶۰): او در تعریف سبک زندگی می‌نویسد: «مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه یافتهٔ ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف کننده».

ویلیام لیزر (۱۹۶۴): او در یک جا سبک زندگی

را طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم معرفی می‌کند؛ نظامی که از تأثیر فرهنگ (ارزش‌ها، منابع، نمادها و قوانین) بر نیروهای زندگی در گروه شکل می‌گیرد. او با توجه به تمرکزش بر موضوع بازاریابی، در جای دیگر سبک زندگی را الگوی رفتاری گروه می‌داند که در خریدهای مصرف کنندهٔ انبوه و روش‌های مصرف بازتاب یافته است.

پیر بورديو (۲۰۰۲ - ۱۹۳۰): از نظر وی سبک و شیوه، بیشترین توانایی را برای بیان ویژگی‌هایی دارد که همهٔ دنیای فعالیت‌ها را در خود خلاصه کرده است (مانند یک معامله که یک منحنی در آن خلاصه شده است). او سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقهٔ فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند. معنا یا به عبارتی ارزش‌های این فعالیت‌ها از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها گرفته می‌شود. وی در جای دیگر می‌گوید: «سبک زندگی دارایی‌هایی است که به وسیلهٔ آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از آدیگران تمایز می‌بخشند.»

آنتونی گیدنز (۱۹۳۸-...): او نیز سبک زندگی را مجموعه‌ای از عملکردها می‌داند که فرد با بهره‌گیری از آنها، افزون بر رفع نیازهای جاری خود، روایت خاصی از هویت شخصی خویش را در

## اساسا

مفهوم سبک زندگی

در فرهنگ سنتی بی‌معناست؛

چون در زندگی گذشته انسان عملاً

گزینشی در کار نبوده است. سنت یا

عادات و رسوم گذشته، برنامه‌ای از

پیش تعیین شده عرضه می‌کرد

که در اجرای آن نوعی جبر

پنهان موجود بود

## پیگیری

تاریخی مفهوم سبک

زندگی و بررسی پیشینه آن

در علوم اجتماعی، نشان می‌دهد

که جامعه‌شناسان در سال‌های پایانی

قرن نوزدهم و نیز در آغاز قرن

بیستم، به مفهوم آغازین این

اصطلاح توجه کرده‌اند.

و رسوم گذشته، برنامه‌ای از پیش تعیین شده عرضه می‌کرد که در اجرای آن نوعی جبر پنهان موجود بود؛ اما در دنیای جدید انتخاب‌های متنوع و گوناگونی پیش روی فرد قرار می‌گیرد؛ فردیتی که اساساً برآمده از مفهوم آزادی مدرن است. با این حال، «شخصی که خود را متعهد به یک شیوه زندگی معین می‌داند، انتخاب‌های دیگر را لزوماً خارج از موازین و معیارهای خویش می‌بیند» و از همین عنصر انتخاب و آزادی است که فرد در پی ترجیح‌ها و علاقه‌مندی‌های خویش، شیوه‌ای را آگاهانه برمی‌گزیند. دیوید چینی در کتابی که با نام سبک زندگی در ۱۹۹۶ منتشر کرد، می‌نویسد: «پدیده سبک زندگی محصول کتمان‌ناپذیر توسعه مدرنیته است و نه تنها به مثابه ایده، اهمیت ویژه‌ای دارد بلکه تلاشی در جهت نمایش هویت فردی و تعریف ویژگی مدرنیته بوده است.»

البته اینکه دقیقاً از چه هنگام، واژه سبک زندگی در ادبیات گوناگون راه یافته است، روشن نیست؛ اما نخستین تعریف این تعبیر به سال‌های دهه ۱۹۲۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که ماکس وبر جامعه‌شناس و اندکی پس از وی آلفرد آدلر روانشناس این عبارت را بر ساخته و معرفی نمودند.

پیگیری تاریخی مفهوم سبک زندگی و بررسی پیشینه آن در علوم اجتماعی، نشان می‌دهد که جامعه‌شناسان در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و نیز در آغاز قرن بیستم، به مفهوم آغازین این اصطلاح توجه کرده‌اند. مثلاً از تعبیراتی که



برابر دیگران مجسم می‌سازد.

خلاصه آنکه سبک زندگی در این تعریف، الگویی از اندیشه‌ها، احساسات، شناخت‌ها و کنش‌هاست که در مجموع هویت اجتماعی و شخصی فرد را می‌سازد.

## تاریخچه

از آنجا که سبک زندگی متضمن «انتخاب» می‌باشد پیدایش آن بگونه‌ای ملازم با مدرنیته است. اساساً مفهوم سبک زندگی در فرهنگ سنتی بی‌معناست؛ چون در زندگی گذشته انسان عملاً گزینشی در کار نبوده است. سنت یا عادات



پدید می‌آورد.

### رویکردها

همانگونه که اشاره شد به لحاظ تاریخی سه رویکرد اساسی در طرح سبک زندگی وجود دارد که عبارتند از رویکرد ادبی، رویکرد روان‌شناختی و رویکرد جامعه‌شناختی.

تفاوت رویکرد روان‌شناختی با جامعه‌شناختی در ویژگی فردی یا اجتماعی بودن سبک زندگی نهفته است.



اجتماعی، می‌کوشند با اتخاذ الگوهای رفتاری خاص و سبکی ویژه، به ویژه در حوزه مصرف، هویتی دلخواه از خویشتن را تعریف و ابراز کنند. به همین دلیل چنانکه ذکر شد، بورديو سبک زندگی را فعالیتهای نظام‌مندی تعریف می‌کند که از ذوق سلیقه فرد سرچشمه می‌گیرد و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارد و در عین حال، به صورت نمادین به فرد، هویت می‌بخشد و بدین ترتیب، میان قشرهای مختلف اجتماعی تمایز

ماکس وبر در آثار خود به کار برده، می‌توان دریافت که وی، به مفهومی ناظر بر ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی که به گروه، احساس هویت می‌بخشند، توجه داشته، و رفتار را برآمده از تمایل‌ها و ترجیح‌هایی می‌دانست که در نهاد افراد شکل می‌گیرد و فرصتهای زندگی، بستر بروز آن را فراهم می‌کند.

زیمل نیز سبک زندگی را مجموعه صورت‌های رفتاری می‌دانست که فرد یا گروه، بر اساس انگیزه‌های درونی خود و در راستای تلاش برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی خود، برگزیده است.

دگرگونی‌های گسترده اجتماعی در طول قرن بیستم که حاصل گسترش و تثبیت تمدن غربی در گستره وسیعی از جهان بود، چرخش رویکرد جامعه‌شناسان را در تحلیل‌ها و تبیین‌های اجتماعی خود، از مقوله تولید به مصرف و از حوزه اقتصاد به فرهنگ، موجب گردید. کاهش میزان کار روزانه، افزایش میزان اوقات فراغت و پدید آمدن طبقه متوسط جدیدی که بخش زیادی از بدنه جامعه را تشکیل می‌داد و الگوها و سبک‌های مصرفی ایشان، در قالب تحلیل‌های طبقاتی و کلاسیک جامعه‌شناسان نمی‌گنجید، سبب شد تا جامعه‌شناسان، به تدریج در تحلیل‌های خود برای تبیین واقعیت‌های اجتماعی، مفهوم سبک زندگی را جایگزین طبقه و مشتقات آن سازند. ویژگی برجسته این وضعیت اجتماعی، آن است که افراد، فارغ از تعلق‌شان به هر طبقه

## دین و سبک زندگی

بنیان الگوهای موجود در سبک زندگی راه همان شالوده فرهنگ و شاخص‌های آن تشکیل می‌دهد؛ زیرا فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای درهم‌تنیده و رو به تکامل از ویژگی‌های خاص زندگی اجتماعی انسان، علاوه بر ارزش‌های مورد توجه اعضای جامعه یا گروه معین و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، چیزهای دیگری مانند کالاهای مادی که اعضای جامعه تولید می‌کنند و نیز رفتار آدمی در چگونگی بهره‌برداری از آنها را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس، می‌توان گفت فرهنگ با سبک زندگی، هم‌پوشانی دارد و در واقع، سبک زندگی، بخشی از فرهنگ یا دست کم لایه آشکار آن را تشکیل می‌دهد. خود فرهنگ نیز از عوامل متعددی اثر می‌پذیرد که مهم‌ترین آن، دین و آموزه‌های وحیانی است. دین به مثابه نوعی هدایت الهی که عهده‌دار راهبری بشر برای رسیدن به سعادت در تمام شئون فردی، اجتماعی و تاریخی به شمار می‌آید، دگرگونی‌های ژرف و گسترده‌ای در اندیشه و روح انسان‌ها پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی، که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها، و رفتارها و کنش‌های انسان را دربرمی‌گیرد، استعدادهای فطری بشر شکوفا می‌شود و به تکامل می‌رسد.

در واقع، عواملی از قبیل محدود نکردن فهم دین به زمانی خاص، باور به تکامل فرهنگ بشری و سهم‌بودن اراده انسان‌ها در آن، و تبیین درست

ارتباط میان فرهنگی متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون می‌شود که دین و آموزه‌های آن، می‌تواند منشأ شکل‌گیری فرهنگ باشد. پس می‌توان گفت در رابطه‌ای طولی دین، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و فرهنگ نیز، نظام معنایی خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی به دست می‌دهد که سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای ویژه برای زندگی است و واحدی منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد.

بر اساس این مدل، سرمایه فرهنگی برآمده از جهان‌بینی توحیدی، در کنار نمادهای آیینی و شعائر دینی، می‌تواند مجموعه پیروان یک دین را به صورت منسجم در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نیز سلیقه‌ها و ترجیح‌های برآمده از آن یاری دهد. البته این موضوع، خود می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای ویژه برای زندگی بینجامد و انواعی از سبک زندگی دینی را پدید آورد.

## ویژگی‌های سبک زندگی

از مطالعه مجموع منابع مربوط به سبک زندگی می‌توان ویژگی‌هایی را به‌دست آورد که عبارت‌اند از:

نخست: سبک زندگی، ترکیبی از صورت (سبک) و معنا (زندگی) است. رفتاری به مجموعه

رفتاری برآمده از باورها و پسندهای فرد و مبتنی بر دیدگاهی آشکار و آگاهانه یا ناآشکار و نیمه خودآگاه در فلسفه زندگی است. اینکه شخص زندگی خاصی را آرزو می‌کند یا زندگی خاصی را به مسخره می‌گیرد و به شدت نقد می‌کند، می‌گوید «زندگی یعنی این!»، «خوش به حال فلانی!» نشان‌دهنده نظام ارزشی او است که در انتخاب سبک زندگی بسیار تأثیرگذار است. در واقع ظواهر زندگی حاصل آن باورها و پسندها است.

دوم: مجموعه عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به حد نصاب انسجام و همبستگی رسیده و همخوانی و تناسب داشته باشند. مجموعه‌ای آمیخته از چندین نوع منطبق و مدل، سبک زندگی نیست. مثلاً نظام ارتباطی باید با هر کدام از نظام معیشتی، نظام اعتقادی، نظام فرهنگی و نظام مصرف تناسب داشته باشد و این تناسب باید نسبتاً پایدار باشد.

انسجام زودگذر که زیر تأثیر جو اجتماعی خیلی زود از بین رود، سبک زندگی را پدید نمی‌آورد. مثلاً نوجوانی که هنوز شاکله هویت فکری، اجتماعی‌اش به درستی شکل نگرفته و کامل نشده و رفتارهای متنوعی دارد، دارای سبک زندگی نیست.

### و بر؛

#### سبک زندگی را چیزی

#### معرفی می‌کند که مرزهای

#### نامشخص و موقعیت و قشر

#### اجتماعی را تعیین می‌کند. او سبک

#### زندگی را از جنس رفتاری می‌داند که

#### تمایلات، آن را هدایت می‌کند و

#### فرصت‌های زندگی، بستر بروز

#### آن را فراهم می‌کند.

و می‌پوشد، جایی که زندگی می‌کند، ماشینی که سوار می‌شود کسانی که با آنها معاشرت می‌کند و... شکل می‌گیرد. همچنین این موضوع باعث می‌شود که نظام ارزشی ویژه‌ای نیز برایش درونی شود.

تجزیه و تحلیل ما هم از شخصیت و هویت دیگران تا اندازه‌ای به همین ظواهر وابسته است. برای قضاوت درباره‌ی یک فرد معمولاً اگر پاسخ این سوال‌ها را بدانیم برجستگی نسبتاً مطمئن بر او می‌زنیم: «چه کارهای؟ چقدر درآمد داری؟ ماشین و وسایل زندگی‌ات چگونه است؟ کدام محله زندگی می‌کنی؟ محل آمد و شد تو بیشتر کجا است؟ باشگاه؟ هیئت؟ کدام رستورانها؟ و...» به

اگر شکل خاصی از زندگی را با اراده و اختیار خود انتخاب نکنیم ناخودآگاه در قالب‌های دیکته شده محیط و جامعه قرار می‌گیریم. بنابراین چه خوب است که آگاهانه و از سر اختیار چهره زندگی خود را تعیین کنیم و اجازه ندهیم شرایط محیطی رنگ شخصیت ما را عوض کند.

ششم: سبک زندگی به نوعی هویت اجتماعی می‌انجامد. پدیدارشناسان فرهنگی تاکید می‌کنند که سبک زندگی برای افراد شخصیت می‌سازد؛ یعنی فرد کلاس هویتی خود را با نوع ارتباطات، شغل، سبب مصرفی و سایر ظواهر انتخابی خود، معرفی می‌کند. به بیان دیگر، شخصیت فرد بر اساس سبک زندگی (یعنی چیزی که می‌خورد

سوم: در پدیدآمدن سبک زندگی بیشتر عناصر، اختیاری هستند. اگر فردی در یک اردوگاه کار اجباری یا در اسارت و زیر فشار بیرونی، مجبور به رفتار بر اساس نوع خاصی از زیستن شود، سبک زندگی ندارد. سبک زندگی باید انتخاب شود و شخص فعالانه در تعریف و چینش و معماری آن بر اساس نظام اعتقادی و ارزش‌های مشارکت داشته باشد. البته رسانه‌ها پیوسته تصویرهای جدید سبک زندگی را منتشر می‌کنند و ذهن‌ها و دل‌ها را برای انتخاب آن برمی‌انگیزند.

چهارم: سبک زندگی قابل ایجاد و قابل تغییر است؛ زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است. نوعی طراحی است که می‌توان آن را نقد کرد و می‌توان آن را برانداخت؛ گرچه شرایط اجتماعی ممکن است تغییر و تحول در سبک زندگی را بسیار دشوار گرداند.

پنجم: جز در دوران کودکی که هنوز شخصیت فرد شکل نگرفته است، نمی‌توان انسانی را بدون آداب یا سبک زندگی تصور کرد. در حقیقت، هیچ کس بی‌ادب نیست؛ همان گونه که بی‌تربیت، بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت نیست؛ حتی اگر انسان تحت تأدیب صحیح قرار نگیرد بی‌ادب نمی‌شود؛ بلکه بدادب، بدتربیت و بدشخصیت می‌شود. ما



این ترتیب موضع‌گیری‌ها رفتارها و قضاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دیگران برای ما پیش‌بینی‌پذیر خواهد شد. «از کوزه برون همان تراود که در اوست.»

هفتم: در سطح کلان اجتماعی، سبک

زندگی هم‌گرایی و واگرایی پدید

می‌آورد. کسانی که سال‌ها

مانند هم زیسته‌اند آرام آرام

مانند هم فکر می‌کنند و

حساسیت‌ها و علاقه‌هایی

مشترک خواهند داشت. این

هم‌گرایی از پیش تعریف

نشده، به موضع‌گیری‌ها و

قضاوت‌های اجتماعی فرهنگی و

اخلاقی یکسان خواهد رسید و یک

قطب هم‌نوا یا قدرت اجتماعی پنهان تشکیل خواهد داد.

### عوامل ایجاد سبک زندگی

سبک زندگی تحت چه عواملی قرار دارد؟ چگونه شکل می‌گیرد؟ و چه دست‌های هدایتگر پنهانی آن را مدیریت می‌کند؟

بی‌گمان اقشار پیش‌تاز جامعه مانند عالمان، استادان برجسته دانشگاه، حاکمان و بزرگان، نخبگان علمی و فرهنگی و ورزشی و هنری در شکل‌دهی به سبک زندگی بسیار مؤثرند. البته میزان دریافت و ضریب تأثیرگذاری هر یک از این گروه‌ها متفاوت است. همچنین در یک مقیاس وسیع‌تر سبک زندگی توده جامعه ما به شدت زیر تأثیر رسانه‌های تصویری است. در دنیای مدرن، رسانه‌ها ارتباط فراوانی با زندگی پیدا

کرده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که کم و بیش در سراسر دنیا پس از «خواب» و «کار برای تأمین معاش» استفاده از رسانه‌ها سومین کاری است که افراد انجام می‌دهند و مصرف رسانه‌ای

از محوری‌ترین عناصر زندگی شده

است. به همین دلیل، نقش

رسانه‌ها در ترویج سبک

زندگی غربی در دنیای کنونی

و تباه و سست‌کردن باورها

و ارزش‌های اسلامی بسیار

جدی است؛ تا جایی که

بسیاری معتقدند که اکنون

یک جنگ جهانی رسانه‌ای بر

ضد اسلام و جمهوری اسلامی در

حال اجرا است. شبکه‌های گوناگون

تلویزیونی و ماهواره‌ای و اینترنتی، روزانه هزاران ساعت برنامه‌های رنگارنگ تصویری در جهت

نیرومند کردن سبک زندگی غربی و ویران کردن فرهنگ‌های رقیب پخش می‌کنند. رسانه‌های

غربی می‌کوشند که کعبه آمال و آرزوها را زندگی غربی معرفی کنند. به همین دلیل هیچ‌گاه

ناتوانی‌ها و سستی‌ها و کاستی‌های آن را منعکس نمی‌کنند. زیرا به خوبی می‌دانند که اگر برای

یک مسلمان متدین، پرده آخر زندگی غربی نمایش داده شود، از آن سخت متفر می‌گردد و

هرگز آن را نمی‌پذیرد، اما به صورت تدریجی و خزنده، عناصر سبک زندگی غربی یک به یک

و قدم به قدم از راه ماهواره، اینترنت، تلویزیون، کتاب، مدل لباس، معماری، مصرف و... وارد

می‌شود و حساسیت یا مقاومتی را بر نمی‌انگیزد!

تن دادن به الگوی زندگی غربی در واقع تن زدن از شریعت اسلامی است. این اتفاق به سهولت و تا حدی بدون حساسیت در جامعه ما در حال شکل‌گرفتن است و یکی از ریشه‌های آن ناشناختی با الگوی زندگی اسلامی است.

پی‌نوشت:

۱. Life.

۲. Style.

۳. لغت‌نامه آمریکن هریتیج، ۲۰۰۴.

۴. لغت‌نامه کمبریج، ۲۰۰۴.

۵. لغت‌نامه وبستر، ۲۰۰۴.

۶. Typical.

۷. لغت‌نامه کمبریج، ۲۰۰۴.

۸. لغت‌نامه وبستر، ۱۹۹۶.

۹. لغت‌نامه کمبریج، ۲۰۰۴؛ لغت‌نامه آکسفورد، ۱۹۸۷، «مد روز، رایج»، لغت‌نامه وبستر ۹۸-۱۹۹۶؛ لغت‌نامه پرنستون، ۲۰۰۳.

۱۰. لسان العرب.

۱۱. بهار، ۱۳۶۹: صفحه «ی» به نقل از: مهدوی کنی، محمدسعید، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، بهار ۱۳۸۷.

۱۲. Dictionary com، ۲۰۰۰.

۱۳. لغت‌نامه وبستر، ۲۰۰۴.

۱۴. لغت‌نامه آکسفورد، ۱۹۹۰.

۱۵. لغت‌نامه رندم هاوس، ۱۹۸۷.

۱۶. Clockhon.

۱۷. Lazer.

۱۸. Anthony Giddens.

۱۹. Alfred Adler.

۲۰. Max Weber.

۲۱. Georg Simmel.

۲۲. Pierre Bourdieu.